

## بررسی رابطه حکومت و امر به معروف و نهی از منکر

فرخنده عظیمی نیا<sup>۱</sup>، محمدمهدی کریمی نیا<sup>۲</sup>، مجتبی انصاری مقدم<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانش آموخته حوزه علمیه خواهران، کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اهواز

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

### چکیده

اسلام به عنوان دین سعادت بخش، به همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی بشر توجه داشته است. یکی از اموری که برای رسیدن بشر به سعادت، در بعد اجتماعی ضرورت دارد، امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف یعنی فرمان دادن به خوبی‌ها؛ و نهی از منکر یعنی باز داشتن از زشتی‌ها، در اسلام عامل کنترل و نظارت عمومی است لذا بر همه واجب است که خود را نسبت به آن مسئول بدانند آیات فراوانی آمده که از جمله آنها آیه ۱۰۴ سوره آل عمران، که بر وجود گروهی از اهل ایمان برای دعوت کردن مردم به خوبی‌ها و و نهی از بدی‌ها تأکید کرده است. و در روایات نیز بیان شده است که در صورت ترک این دو فریضه اشرار شما بر جامعه تسلط پیدا می‌کنند. قبلا هم اداره‌ای به نام دایره حاسبه مسئولیت این کار را به عهده داشت و مردم از طرف آنها اجازه امر به معروف و نهی از منکر را داشتند. نقش رهبر جامعه در این امر مهم برای مردم کلیدی است؛ چرا که رهبران هر جامعه اسلامی خود در عمل مصداق امر به معروف و نهی از منکر هستند و این دلگرمی مردم را بیشتر می‌کند لذا هر چه رابطه دولت با مردم در اجرای این دو فریضه الهی بیشتر و هماهنگ باشد جامعه روی سعادت را بیشتر می‌بیند.

**واژه‌های کلیدی:** امر به معروف، نهی از منکر، حکومت، مردم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام عامل کنترل و نظارت عمومی است و همه افراد مکلفند نسبت به مسائل اطراف خود بی تفاوت نبوده و در برابر جامعه خود مسئول باشند. و همه پیامبران الهی و ائمه معصومین علیهم السلام تمام توان خود را برای احیای خوبی‌ها و ریشه کن کردن بدی‌ها به کار برده‌اند که در اسلام، این موضوع شدت بیشتری به خود گرفت و به صورت جدی جزو قوانین حکومتی شده است. امر به معروف و نهی از منکر، علاوه بر اینکه یک وظیفه فردی است یک وظیفه اجتماعی است که اجتماع را از گزند انحرافات دور کرده و آن را سالم نگه می‌دارد. لذا اجرای صحیح امر به معروف و نهی از منکر، به نهادها و دستگاه‌های نظارت کمک خواهد کرد تا در انجام وظایف قانونی خود موفق‌تر باشند.

## تعریف معروف و منکر

معروف در لغت، به معنای شناخته شده و منکر، به معنای ناشناس. بنابراین کارهای نیک، امور شناخته شده و کارهای زشت، اموری ناشناس شمرده شده‌اند، چه اینکه فطرت پاک انسانی با دسته اول آشنا و با منکرات ناآشناست. در تعریف‌هایی که از امر به معروف و نهی از منکر شده، همه بر این عقیده هستند که هر کاری دین و عقل، آن را نیکو شمارد، معروف است و آن چیزی که دین و عقل، آن را زشت و بد بداند، منکر می‌باشد.

می‌توان گفت در اسلام، واجبات و مستحبات در قالب معروف، محرمات و مکروهات در قالب منکرند؛ چرا که شارع مقدس، فرمان بر انجام چیزی می‌دهد که نفع فرد و جامعه در آن است و در یک کلام، سعادت و کمال انسان در آن است و از چیزی منع می‌کند که ضرری برای انسان در آن نهفته است و آن، عمل زشت و ناپسند است و نهایت اینکه، انسان را از رسیدن به سعادت و کمال باز می‌دارد. کارهای ناپسند در اجتماع به زیان همه افراد جامعه است، همانند مسافر کشتی است که می‌خواهد قسمتی از کشتی را سوراخ، و با این کار همه مسافران را نابود سازد، دیگر مسافران به حکم عقل و برای حفظ کشتی و مسافران، از کار او جلوگیری می‌کنند و عقل این اجازه را به او داده است.

در بحث امر به معروف و نهی از منکر، باید دید که در چه موضوعی و در چه موردی می‌خواهی امر و نهی کنی، گاهی کاری آنقدر کوچک است که ارزش فحش و ناسزا و... ندارد، ولی گاهی آنقدر مسئله مهم است که باید از جان و ناموس خود گذشت و گرنه اسلام، قرآن، عدالت، و... که هدف انبیاء برای احیای اینها بوده است، به خطر می‌افتد. هیچ اجتماعی نمی‌تواند بر پایه ظلم و ستم باشد، و اگر این طور شد، نباید سکوت کرد، مثل کاری که حسین بن علی علیه السلام کردند و تمام هستی‌اش را در این راه نهادند.

قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام برای ضرورت و اهمیت دادن امر به معروف و نهی از منکر از سرنوشت شوم جوامعی که به این دو فریضه عمل نکرده و یا به دست فراموشی سپرده‌اند سخن گفته که نتیجه آن سلطه ستمگران بر آن جامعه می‌باشد. و نیز آیت الله مصباح در جواب اینکه مفهوم امر به معروف و نهی از منکر چیست می‌گوید:

معنای عبارت امر به معروف به ظاهر برای ما روشن است. امر به معروف یعنی امر کردن و فرمان دادن به خوبی‌ها. و نهی از منکر یعنی نهی کردن از زشتی‌ها.

اما در مسیر تحول واژه‌ها، معنای آن‌ها گاهی توسعه و گاهی تضییق داده می‌شود. در برخی موارد، استعمال یک واژه باعث می‌شود که مفهوم آن از مقتضای اصلی خود وسعت بیشتری پیدا کند. فقهاء و بزرگان وقتی پیرامون موضوع امر به معروف و نهی از منکر بحث می‌کنند، می‌گویند در کلمه امر، مفهوم علو یا استعلا مستتر است، یعنی کسی که امر می‌کند، یا باید

برتری بر مأمور داشته باشد یا خود را در چنین مقامی قرار دهد و از موضع بالا امر کند. خواهش و استدعا کردن امر نیست، این که بگوید من خواهش می‌کنم این کار را بکنید امر نیست. مقتضای کلمه امر این است که باید به صورت استعلا باشد. (مصباح یزدی، آذرخشی دیگر در آسمان کربلا، ۱۳۹۱، ص ۲۲۳)

بنابراین می‌توان گفت: هر کاری که انسان را از خدا و اخلاق و معارف دور کند منکر و برعکس هر کاری که انسان را به خدا و انسانیت و معنویت نزدیک سازد، معروف می‌باشد.

### اقسام معروف و منکر

معروف و منکر را می‌توانیم به سه نوع تقسیم کنیم:

۱- معروف و منکر شرعی. ۲- معروف و منکر عرفی. ۳- اعمالی که نه منکر شرعی و نه منکر عرفی هستند اما منکرزا می‌باشند.

#### ۱- معروف و منکر شرعی

معروف و منکرهایی هستند که از سوی شارع مقدس بیان گشته‌اند. در شناخت این نوع معروف و منکر، مشکل چندانی وجود ندارد، چون در آیات و روایات زیادی بیان و مشخص کرده‌اند که به چند نمونه از آنها در اینجا اشاره می‌کنم:

(یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ) (سوره توبه (۹) آیه ۱۱۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و از راستگویان باشید».

(یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِینَ بِالْقِسْطِ... ) (سوره نساء (۴) آیه ۱۳۵)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، عدالت را بر پای دارید...».

(... وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ) (سوره بقره (۲) آیه ۱۹۵)

«... و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد».

و همچنین در مذمت دروغ‌گویی و فحشاء می‌فرماید:

(... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِی مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ) (سوره زمر (۳۹) آیه ۳)

«... همانا خداوند کسی را که دروغ می‌گوید و کفران نعمت می‌کند هدایت نخواهد کرد».

#### ۲- معروف و منکر عرفی

دسته دیگر از معروف و منکرها عرفی هستند که در مورد آنها باید کمی دقت کرد. به عنوان مثال، اگر شخص مذهبی سرشناس با عیال خود در خیابان‌ها و بازار شهر دوش بدوش یکدیگر راه رفته، و شوخی و خنده داشته باشند، اگر چه ظواهر اسلامی را هم رعایت کنند، اما از نظر عرف، این اعمال به وجهه دینی آنها لطمه می‌زند. و حتی ممکن است برای دیگران سوژه علیه دین و مذهب بشود. لذا لازم است، یک فرد متدین که در جامعه نقش و قیافه مذهبی دارد و به این عنوان شناخته شده-اند، بعضی از این اعمال و لو منکر شرعی هم نباشد انجام ندهند.

#### ۳- اعمال منکرزا

این اعمال اگر نسبت به آنها بی‌اعتنا باشیم و اگر جهت به آنها داده نشود، منکرزا خواهند شد. مثلاً ورزش که در جامعه امری است ضروری، باید به آن جهت داده شود. به یک ورزشکار، باید تفهیم نمود که به موازات تقویت جسم، باید به رشد روحی و معنوی خود نیز بپردازد. و قوی بودن جسم بدون معنویات، نه برای ورزشکار و نه برای جامعه نفعی و سودی نخواهد داشت؛ چرا که در ورزش اگر انسان به فکر گرفتن مدال قهرمانی باشد و از نظر اخلاقی سقوط کند، آنگاه برای جامعه مضر می‌شود. یا

تجمل گرایی، یکی دیگر از مسائلی است که ذاتاً نه منکر شرعی است و نه منکر عرفی ولی اگر از کانال صحیح خارج و بر جامعه حاکم شود، زبان‌های اخلاقی و اقتصادی بدنبال خواهد داشت.

### ملاک شناخت معروف و منکر در قرآن

قرآن از آن گونه کارهایی که وصف به حسن هستند، کلمه معروف یاد می‌کند، یعنی کارهای خوبی که برای همه مردم قابل شناسایی‌اند. و از کارهای زشت به منکر یاد می‌کند. آوای فطرت سلیم در شناخت معروف و منکر، خوبی‌ها و بدی‌ها، بهترین ملاک و روشن‌ترین معیار است.

( وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا \* فَأَلَّهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا ) (سوره شمس (۹۱) آیات ۷ و ۸)

« سوگند به نفس و آنکه او را چنین آفرید، پس بدی‌ها و خوبی‌ها را به او الهام کرد ».

می‌توان بهترین ملاک‌های شناخت معروف و منکر را چنین بر شمرد:

۱- شرع مقدس ۲- عقل سلیم ۳- فطرت پاک

پس هر چیزی که شارع مقدس، مردم را به آن تشویق کرده و عقل آن را پسندیده و فطرت سلیم آن را پذیرفته است، معروف است و هر چیزی که شارع از آن نهی کرده و عقل و فطرت آدمی آن را ناپسند و ناخوشایند شمرد، منکر و زشت است. البته امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد، از جمله اینکه، امر و ناهی باید معروف و منکر را به خوبی بشناسد، خودش به گفته خود عمل کند، احتمال تأثیر بدهد و اینکه مراتب را رعایت کند یعنی وقتی با یک تذکر محترمانه می‌توان امر به معروف و نهی از منکر کرد، نباید خشونت نشان بدهد. از جمله آیات قرآنی که در اجرای این دو فریضه بیان شده است:

- وجود گروهی از اهل ایمان برای دعوت امر به معروف و نهی از منکر

( وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ) (سوره آل عمران (۳) ۱۰۴)

« باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند ».

محمد بن یعقوب، از علی بن ابراهیم، از هارون بن مسلم از مسعدة بن صدقه نقل کرده است که وقتی از امام صادق علیه السلام در باره امر به معروف و نهی از منکر سؤال شد که آیا این کار بر همه مردم واجب است یا نه؟ فرمود: نه سؤال شد چرا؟ فرمود این کار از عهده یک شخص قوی و کسی که دیگران از او اطاعت می‌کنند و معروف و منکر را می‌شناسد بر می‌آید نه آدم ضعیفی که خودش راه به جایی نمی‌برد و نمی‌داند درباره حق و باطل به چه کسی بگوید. و این گفتار خداوند بر همین موضوع دلالت دارد. (بحرانی، ترجمه تفسیر روایی البرهان، ج ۳، ۱۳۸۹ ص ۱۲۵)

و این حکم خاص است و عمومیت ندارد همچنان که خداوند در جایی دیگر می‌فرماید: ( وَ مِنْ قَوْمٍ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ... ) (سوره اعراف (۷) آیه ۱۵۹)

« و از قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داور می‌نمایند ».

نگفته است بر امت موسی یا بر تمام قوم موسی و حال آنکه آنها در آن روز، امت‌های مختلفی بودند.

انسان معمولاً معلوماتی را که در زندگی برایش مفید و سودمند باشد ذخیره می‌کند و اگر به آن معلومات عمل نشود، به تدریج به فراموشی سپرده می‌شود. شکی نیست که عمل در همه شؤون زندگی، دایره مدار علم است و هر زمان که علم قوی یا ضعیف باشد عمل هم قوت و ضعف می‌گیرد و هر گاه علم، علم صالح یا فاسد باشد، عمل هم صالح یا فاسد می‌گردد و خداوند متعال

در سوره اعراف آیه ۵۸ می‌فرماید: ( وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ) « علم و عمل رابه زمین و رویدنی‌های آن مثال زده است و اینکه اثری متقابل در یکدیگر دارند ».

در نتیجه، جامعه صالح که علمی نافع و عملی صالح دارد علم و تمدن خود را با تمام نیرو حفظ می‌کند. افراد آن جامعه، اگر فردی را ببینند که از آن علم تخلف می‌کند جلوی انحراف او را گرفته و شخص منحرف را به راه خیر و معروف هدایت می‌کنند و او را به حال خود واگذار نمی‌کنند تا در پرتگاه فساد و شر سقوط کند و باعث انحراف و فساد دیگر افراد جامعه شود و این همان دعوت به فراگیری و تشخیص معروف از منکر و امر به معروف و نهی از منکر است که خدای متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: ( يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ )

و ادا کردن دیگران به انجام کارهای خوب و بازداشتن آنها از انجام کارهای بد، اگر به صورت یک تکلیف و وظیفه در جامعه مطرح باشد و همه خود را به آن متعهد بدانند، آثار و نتایج بسیار درخشانی به بار می‌آورد و در سازندگی و بالندگی و رشد و تعالی جامعه و گسترش مبانی اخلاقی و ارزشهای ایمانی تأثیر قاطعی دارد. و علاوه بر نتایجی که در دیگران می‌گذارد برای خود شخص که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند نیز بسیار سازنده است و او که دیگران را به نیکی‌ها دعوت می‌کند، سعی خواهد کرد که آن را در خود به وجود آورد.

بسیاری از مردم تشنه تشویق هستند و اگر به انجام کارهای پسندیده تشویق شوند به راحتی آن را انجام می‌دهند و نیز بسیاری از مردم از سرزنش و اعتراض دیگران متأثر می‌شوند و اگر خود را در معرض اعتراض جامعه ببینند، از انجام کارهای بد منصرف می‌شوند و از گناه و معصیت پرهیز می‌کنند. اسلام با استفاده از این روحيات که در نوع مردم وجود دارد، دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر را واجب کرده تا گروهی را با تشویق و گروهی را با تهدید تربیت کند و نظام اخلاقی را در جامعه گسترش دهد.

این آیه، دلالتی روشن است بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت و موقعیت آن دو از نظر دین؛ زیرا خداوند رستگاری مسلمین را به این دو مربوط دانسته است.

#### دایره حاسبه دایره تحقق امر به معروف و نهی از منکر

حاسبه در سابق، دایره تحقق امر به معروف و نهی از منکر بود، همان دایره ای که دارای رویکرد دینی می باشد در واقع حاسبه، یک نهاد حکومتی بوده که جامعه اسلامی به منظور اقامه امر به معروف و نهی از منکر دایره کرده بود و مشخص است که مسلمین از ابتدا اجرای امر به معروف را به عنوان یک امر لازم بر خود می دانستند. و این در جامعه کنونی که در آن هستیم یکی از نقاط ضعف می باشد.

طبق اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه همگانی و متقابل، بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

در این اصل، حق نظارت همگانی و توصیه به دعوت به خیر، بین مردم و مسئولین مطرح شده که ناشی از محبت و احساس نزدیکی و دلبستگی آن‌ها نسبت به همدیگر است و این نظارت، تکلیفی است که قابل تسامح و تساهل نیست.

اصل امر به معروف و نهی از منکر، همان اصلی است که مبنای شکل‌گیری واقعه عظیم عاشورا برای تضمین سلامت جامعه و رهایی از انحرافات و توطئه و خطر عظیم بوده است. امام خامنه‌ای در این رابطه نیز می‌فرماید:

امام حسین علیه السلام قیام کرد تا آن واجب بزرگی را که عبارت از تجدید بنای نظام و جامعه ی اسلامی با قیام در مقابل انحرافات بزرگ در جامعه ی اسلامی است، انجام دهد. این از طریق قیام و از طریق امر به معروف و نهی از منکر است، بلکه خودش یک مصداق بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است. البته این کار، گاهی به نتیجه ی حکومت می رسد امام حسین برای این آماده بود، گاهی هم به نتیجه ی شهادت می رسد، برای این هم آماده بود. (سایت رهبری، خطبه های نماز جمعه، تاریخ ۱۹/۳/۷۴)

### نقش نظارتی مردم بر عملکرد حکومت

( وَ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ) (سوره توبه (۹) آیه (۷۱))

و مردان و زنان باایمان دوست و یاور و سرپرست یکدیگرند، به هر کار نیک (از نظر عقل و شرع) فرمان می دهند و از هر کار زشت (از دیدگاه عقل و شرع) باز می دارند و نماز را برپا می کنند و زکات می دهند و از خدا و فرستاده او فرمان می برند آنها اینند که خداوند به زودی مورد رحمتشان قرار می دهد، که همانا خداوند غالب مقتدر و با حکمت (در مرحله تکوین و تشریح و جزا) است.

از آنجا که حکومت اسلام حکومت مردم و قانون است و همه مردم در قدرت، شخصیت، احترام و مسئولیت، شریک و یکسانند و از نظر قرآن، افراد با ایمان، چه مرد و چه زن بر یکدیگر ولایت دارند ( وَ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ) نظارت مردم با امر به معروف و نهی از منکر، مقرر شده است و مسلمان کسی است که هر چه برای خود می خواهد، برای دیگران نیز بخواهد و هر چه برای خود نمی پسندد برای برادران و خواهران دینی خود روا ندارد.

نظارت مردم در حکومت اسلامی، نیروی عظیمی است برای اجرای مقررات اخلاقی و مذهبی، سیاسی و اقتصادی، و در نتیجه اطمینانی است برای حفظ جامعه از انحراف و سقوط، چنانکه پیغمبر اسلام فرمود:

یک فرد گنهکار در میان مردم مانند کسی است که با جمعی سوار کشتی شده و در میان دریا تبری برداشته و به سوراخ کردن جایگاهش پرداخته و چون به او اعتراض می کنند که چرا چنین می کنی، می گوید: من در سهم خود تصرف می کنم. بدیهی است اگر دیگران او را از این عمل باز ندارند آب دریا به داخل کشتی نفوذ خواهد کرد و نه تنها آن شخص بلکه همه را غرق خواهد کرد. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ۱۳۷۴، ص ۳۷)

و نیز در آیه ای دیگر از قرآن آمده است:

( وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ) (سوره نور (۲۴) آیه ۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.



در ادامه، آیه شریفه حقیقتی را خاطر نشان می‌فرماید که برای هر انسان مسلمانی، تعمق برانگیز و برای مسئولان نظام و حکومت اسلامی و مؤمنان و صالحان خطاری تکان دهنده و جدی است آنجا که می‌فرماید: ( ... يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ) (سوره نور (۲۴) آیه ۵۵)

« چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقاند.»  
و در مورد دیگری می‌فرماید:

( الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَقِبَةُ الْأُمُورِ ) (سوره حج (۲۲) آیه ۴۱)

همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست.

فریضه امر به معروف و نهی از منکر را تنها شامل حاکمان نمی‌باشد، البته اطلاق ادله امر به معروف و نهی از منکر و این که وصف تمکن در آیه ذیل دلیل بر اختصاص وظیفه به آنها نیست، این وظیفه را شامل همه امت اسلامی می‌داند. به هر حال، بر این اساس، حکومت اسلامی وظیفه دارد به این فریضه جامعه عمل ببوشاند.

در واقع یکی از دلایل لزوم بعثت انبیاء این است که چون انسان یک موجود اجتماعی است و مایحتاج زندگی و برنامه‌های حیاتی او به طور فردی قابل ادراک نیست، خود به خود وجود قانونی مدون لازم به نظر می‌آید و تاریخ نشان می‌دهد که انسان از زمان‌های دور دارای قانون بوده است، که اگر ملتی نسبت به قانون حاکم بر خود بی‌توجه شود، نظام اجتماعی آنها به هم می‌خورد.

مقام معظم رهبری هم طی سخنانی فرمودند:

ما هنوز تا یک جامعه کاملاً اسلامی که نیک بختی دنیا و آخرت مردم را به طور کامل تأمین کند و تباهی و کج روی و ظلم و انحطاط را ریشه کن سازد فاصله زیادی داریم، این فاصله باید با همت مردم و تلاش مسئولان طی شود و پیمودن آن با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. (سایت رهبری امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه مقام معظم رهبری ۱۷ / ۴ / ۹۷)

امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز در زمان خلافت خود به مردم عراق می‌فرماید: « آیا شرم نمی‌کنید و به غیرت در نمی‌آیید که زنانتان راهی بازارها و دکان‌ها می‌شوند و با افراد بی‌دین برخورد می‌کنند ». (کافی، ج ۵، ۱۳۶۵، ص ۵۳۷)

مقام معظم رهبری زمانی در خطبه‌های نماز جمعه خود فرمودند: « در زمینه مسائل اجتماعی شاید هیچ خطایی به مردم شدیدتر، غلیظتر، زنده‌تر و پرهیجان‌تر از خطاب امر به معروف و نهی از منکر نیست. امر به معروف و نهی از منکر، یک وظیفه عمومی است ». (خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، در تاریخ ۲۵ / ۹ / ۷۹)

### اهمیت و جایگاه رهبر در جامعه

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

جایگاه رهبر چونان ریسمان محکم است که مهره‌ها را متحد ساخته و به هم پیوند می‌دهد، اگر این رشته از هم بگسلد مهره‌ها پراکنده و هر کدام به سویی خواهند رفت و سپس هرگز جمع‌آوری نخواهند شد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶)

با توجه به این که دستورات و برنامه‌های دین مبین اسلام، بر اساس عقل و فطرت انسان تنظیم شده است و از سویی دیگر، با توجه به اجتماعی بودن انسان، یکی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه انسانی تشکیل حکومت است و یکی از اهداف اصلی و ضروری تشکیل حکومت ایجاد نظم و امنیت در جامعه و جلوگیری از اختلاف و ایجاد هرج و مرج می‌باشد. از نظر عقلی هر حکومتی نیازمند به حاکم و رهبر می‌باشد. نگاهی اجمالی به احکام اسلام حاکی از آن است احکام و دستورات دین، به دو دسته فردی و اجتماعی قابل تقسیم است. و راه رسیدن به سعادت و کمال اخروی اجرای کامل احکام و دستورات دین است و از آنجا که عملی کردن قوانین و احکام اجتماعی بدون تشکیل حکومت و قوه اجرایی و سیاسی مقتدر امکان‌پذیر نیست پس بین حکومت و رهبری رابطه مستقیم وجود دارد. که اجرا و انجام دقیق و صحیح احکام و دستورات دین در سایه ایجاد حکومت و وجود رهبری شایسته میسر می‌باشد. به همین جهت خداوند متعال در کنار فرستادن مجموعه قوانین و دستوراتی که مایه اصلاح و سعادت بشر است پیامبرانی را برگزیده است تا در صورت امکان با تشکیل حکومت اداره و رهبری جامعه مسلمین را بر عهده بگیرند و پشتوانه‌ای برای اجرای قوانین و دستورات الهی باشند.

حاکمان الهی، ولایت و سرپرستی همه جانبه اعم از مادی، معنوی، دنیوی و اخروی امت را بر عهده دارند. در سایه رهبر شایسته و مقتدر است که جامعه پیشرفت‌های پی در پی را خواهد داشت و انسان سازی و عدالت گسترش می‌یابد و زمینه‌های آسیب‌پذیری در جامعه مسلمین از بین می‌رود.

ولایت دو سو دارد: در یک سوی آن ولی و امام و رهبر است که به هدایت خلق می‌پردازد و مسائل و مطالب گفتمانی را به مردم می‌گوید و مسلمان‌ها را در مقابل خطرات و توطئه‌ها هوشیار و بیدار می‌کند و نظم را بر جامعه حاکم می‌کند و حقوق ستم‌دیدگان را احقاق می‌کند و حدود الهی را اجرا می‌نماید و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. و در سوی دیگر مردم هستند که باید سعی کنند گفتار و کردار و عقاید و افکارشان منطبق بر نظریات و اندیشه‌های آن بزرگواران باشد و قدم جای قدم آنان بگذارند و گرنه نمی‌توان با تخلف از دستورات آن بزرگواران، و ارتکاب انواع خلاف‌ها و گناهان، باز هم مدعی ولایت آن عزیزان باشد.

جالب این که رئیس ساواک در یکی از بازجویی‌هایی که از آیت الله مکارم داشت می‌گفت:

« من به مولا علی علیه السلام عشق می‌ورزم و دم از حب او می‌زنم و ولایت او را در دل دارم ولی اگر کسانی مخالف شاه باشند حاضرم یک میلیون نفر آنها را به رگبار ببندم ». آیا چنین کرداری و افکاری با ولایت سازگار است یا چنین ولایتی، ولایت دروغین است؟

آری ولایت به معنای انطباق تمام اعمال و گفتار و افکار بر عقاید و گفتار و اعمال معصومین علیهم السلام می‌باشد. (مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ۱۳۸۷، ص ۷۲)

### نظر امام خمینی (ره) برای نظارت مردم بر روحانی‌نماها

امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین وظایف است و والاترین و مؤثرترین و دلنشین‌ترین آن در قلب‌ها وقتی است که عهده‌دار امر به معروف و نهی از منکر، خود آراسته به نیکی‌ها (چه واجب و چه مستحب) بوده و از بدی‌ها (گناهان و حتی مکروهات) برکنار و دارای اخلاق پیامبران و روحانیان باشد، و از اخلاق نادانان و اهل دنیا منزه بوده تا جایی که با عمل و رفتار مردم را به نیکی‌ها ترغیب کند و از بدی‌ها باز دارد و مردم از وی پیروی کنند، بخصوص اگر ارشاد کننده از علمای دین و رؤسای مذهب باشد؛ چرا که اگر خدای نکرده بر خلاف این باشد و مردم ببینند که عالمی مدعی جانشینی پیامبران و پیشوایی امت، به



آنچه می‌گوید عمل نمی‌کند، موجب تضعیف عقیده آنان می‌گردد و جرأتشان را بر ارتکاب گناهان و بدگمانیشان را به پیشینیان صالح، افزون می‌سازد.

بر علما و مخصوصاً بر رؤسای مذهب است که از مواضع تهمت‌ها بپرهیزند، که بزرگترین موضع تهمت، تقرب جستن به سلاطین جور و رؤسای ستمکار است. (بی‌آزار شیرازی، رساله نوین امام خمینی، ج ۴، ۱۳۵۷، ص ۲۱۰)

بر امت اسلامی است که اگر عالمی را این چنین ببینند در صورت امکان عمل وی را حمل بر صحت کنند، وگرنه از وی اجتناب ورزند، و از وی دوری گزینند. چه او غیر روحانی است که به

لباس روحانیت درآمده و شیطانی است در ردای علما. اگر بدعتی در اسلام گذاشته شود و سکوت علمای دین و رؤسای مذاهب موجب هتک اسلام و ضعف عقاید مسلمانان گردد، به هر وسیله‌ای که ممکن است، باید از آن جلوگیری به عمل آورد.

چنانچه سکوت علما و رؤسای مذاهب باعث شود که گناهان در نظر مردم خوب و خوبی‌ها بد جلوه کند، و یا موجب تقویت و تأیید ظالم و یا جرأت ستمکاران به ارتکاب محرمات و بدعت‌ها گردد و یا باعث سوء ظن و هتک مقام علم شود و خدای نکرده به آنان نسبت همکاری با ستمکاران داده شود، واجب است اظهار حق و انکار باطل، اگر چه تأثیر فعلی نداشته باشد.

اگر قرائتی موجود باشد که تأسیس مؤسسه‌ای دینی، یا مخارج آن از طرف دولت ستمکار است، و لو با واسطه‌هایی، جایز نیست که علما متصدی آن شوند و یا طلاب علوم دینی در آن وارد گردند.

کسی که متصدی این مؤسسات (طاغوتی) گردد و یا در آنها عضو شود محکوم به بی‌عدالتی است و برای مسلمانان جایز نیست که با وی همچون روحانی عادل رفتار نموده و در نماز جماعت به وی اقتدا کنند، و سایر کارهایی که عدالت شرط آن است.

تا وقتی که این قبیل افراد در مؤسسات طاغوتی هستند و از عمل خود باز نگشته و توبه نکرده‌اند حق گرفتن سهم امام و سهم سادات نداشته و برای مسلمانان جایز نیست که از این دو سهم چیزی به آنان پرداخت کنند.

اگر ورود بعضی از علما در برخی از شؤون دولت طاغوتی موجب به پا داشتن فریضه یا فرائض و یا از بین رفتن منکر یا منکراتی گردد، و محذور مهمتری مانند هتک حیثیت علم و علما و تضعیف عقاید افراد کم‌ایمان، در پی نداشته باشد واجب کفایی است که شرکت جویند. (خمینی، تحریرالوسیله، جلد ۲، ۱۳۸۳، ص ۳۰۸ و ۳۰۹)

## امر به معروف و آزادی

اراده الهی براین استوار بوده که انسان به صورت مختار آفریده شود تا با انتخاب مسیر زندگی و گزینش راه حق و باطل آزاد باشد. اگر چه خداوند با ارسال پیامبران خویش، اسباب هدایت انسان‌ها را مهیا کرده و راه صحیح را از نادرست تبیین نموده است. ولی با توجه به این اختیار انسان گاهی با تکیه بر قدرت ایمان و تقوا در مسیر صحیح گام برداشته و گاهی هم به پیروی از نفس سرکش خود به فساد کشانده شده و محیط پیرامون خود را گرفتار فساد و ناهنجاری‌های رفتاری خود نموده است. از سوی دیگر، با توسعه و گسترش جوامع و پیشرفت تکنولوژی و امکانات ارتباطی از قبیل رسانه‌های عمومی و فضای مجازی در زندگی و ایجاد افکار نادرست، تقابل بین حق و باطل شدت گرفته و به تدریج دامنه فساد در جامعه افزایش یافته است. و فرهنگ اسلامی بیشتر در معرض تهاجم بیگانه قرار گرفته است. و عدم آمادگی افراد در جامعه در مقابله با هجمه‌های فرهنگی، زمینه آسیب‌پذیری و بی‌بندباری را در میان آنها بالا خواهد برد. بنابراین مبارزه با فساد و انحراف و دعوت و هدایت به سوی کارهای خیر و معروف، ضرورتی انکارناپذیر است که نه تنها منافاتی با آزادی در جامعه ندارد بلکه هم جهت با آزادی حقیقی برای حفظ حقوق و منافع خود و دیگران از انحراف و سقوط در جامعه است، که در واقع امری پسندیده و عقلایی است.

با توجه به نقش هر یک از افراد جامعه در سرنوشت همدیگر و تعهدی که در پذیرش مسئولیت اجتماعی نسبت به همدیگر دارند هر فردی باید ناظر و مراقب امور پیرامون خود باشد تا هر کس به قدر و توان خویش در تربیت عمومی و سلامت جامعه سهیم باشد.

از طرفی امر به معروف و نهی از منکر یک قانون پذیرفته شده در اسلام است که در قرآن بیان شده و مسلمانان آن را به عنوان دو واجب الهی قبول دارند.

آزادی هر مسلمان در چهارچوب قانون اسلام منافاتی با امر به معروف و نهی از منکر ندارد. و از طرفی دیگر، زندگی اجتماعی که برای بشر فواید و برکات فراوانی دارد، محدودیت‌هایی را نیز برای انسان به بار می‌آورد و افراد اجتماع در سرنوشت همدیگر تأثیر دارند. یکی از این موارد، همان حق طبیعی نظارت عمومی است که یک وظیفه عقلی نیز به شمار می‌رود و قرآن، آن را امر به معروف و نهی از منکر می‌خواند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک اصل اساسی که با صراحت تمام مورد توجه جدی قوای مجریه و مقننه است مطرح گردیده است. (که البته طی این چندین سال خیلی به آن کم توجهی می‌شود).

بی توجهی به این دو فریضه مهم، قدر مسلم می‌تواند فرد و جامعه را دچار مشکل سازد، که از جمله آنهاست:

### - سلطه اشراک

در جامعه‌ای که نسبت به ارزش‌های الهی و انسانی، بی‌تفاوتی وجود داشته باشد و مردم از امر به معروف و نهی از منکر گریزان باشند زمینه سلطه اشراک بر آنها فراهم می‌آید. انسان‌های ناشایست و پست به قدرت و پست می‌رسند و سرنوشت مردم را در دست می‌گیرند. بدیهی است تا چنین زمینه‌هایی فراهم نباشد نوبت به حکومت چنان انسان‌هایی نمی‌رسد. این مطلب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیه السلام رسیده و بر آن تأیید کرده‌اند. امام علی علیه السلام فرموده است:

لا تتركوا الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فيؤلّي عليكم شراركم، ثم تدعون فلأ يستجاب لكم؛ امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در نتیجه ترک آن، خداوند امور شما را به اشرارتان واگذارد، آن گاه که لب به دعا برای نجات می‌گشایید دعایتان مستجاب نمی‌شود. (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

### نتیجه گیری

- خداوند در قرآن کریم همه مردم را مکلف کرده که به خوبی‌ها و نیکی‌ها روی آورده و از زشتی‌ها و منکرات دوری و پرهیز کنند.

- در آیات و روایات ائمه معصومین علیهم السلام، همه جهانیان را برای سلامت جامعه خود ملزم به اجرای این دو فریضه مهم کرده‌اند.

- در صورت ترک و بی‌توجهی بدان، پیامدهای شومی برای آن ذکر شده که مهم‌ترین آنها برداشته شدن خیر و برکت از جامعه، تسلط اشراک بر جامعه، به طوری که با افزایش منکرها، منکرها فراوان شود که هر چه خوبان فریاد زنند، فریادشان به جایی نمی‌رسد و دعاها مستجاب نشود.

- جرم در جامعه سرایت می‌کند اگر کسی خود را کنار بکشد و بگوید گناه دیگران ربطی به ما ندارد، خطای یک فرد چه بسا به ضرر کل جامعه خواهد شد که در قرآن، در مورد عذاب الهی گفته شده که عده‌ای هم که سکوت می‌کنند و لو خودشان خوب باشند، هم دچار عذاب شده‌اند.

- در جامعه اسلامی باید افراد دلسوز و آگاه به معارف اسلامی باشند تا مردم را به سوی ارزش‌ها فراخوانند و از زشتی‌ها و منکرات بر حذر دارند تا مورد غضب الهی واقع نشوند. آگاهی دهند خصوصاً نسل جوان را و به سؤالات آنها پاسخ گویند و آنها را با شیوه‌های منطقی جذب کنند.

### منابع و مأخذ

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه

۳- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، *رساله نوین*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۴- بحرانی، سید هاشم، ترجمه تفسیر روایی البرهان، مترجم، محمد رحمتی شهرضا، قم: تهذیب، ۱۳۹۱.

۵- خمینی، روح الله، *ترجمه تحریر الوسیله*، مترجم علی اسلامی و محمد قاضی زاده، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.

۶- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، مترجم علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، چاپ چهارم.

۷- مکارم شیرازی، ناصر، *آیات ولایت در قرآن*، قم: نسل جوان، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.

۸- \_\_\_\_\_، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۹- مصباح یزدی، محمد تقی، آذرخشی دیگر در آسمان کربلا، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.

۱۰- سایت رهبری امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه مقام معظم رهبری ۱۷ / ۴ / ۹۷ موسوی سید حسن دفتر ۵۸ امر به معروف و نهی از منکر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی